

خارج فقه استاد اراکی دام ظلّه شنبه ۴ اسفندماه ۸۶ پانزدهم صفرالمظفر

بحث ما در اشکال بر استدلال بر آیه البقرة ۲۳۸ حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ و ما جواب دادیم از اشکال دوم ، اشکال دوم این بود که امر در این جا ارشادی است و بیش از اهمیت صلاة الجمعة را نمی رساند ، که جواب دادیم ، که به فرض آن که امر ارشادی باشد ، ارشاد به اهمیت وجوب شرعی است ، و این اهمیت وجوب شرعی سازگار نیست با وجوبی که در موارد بسیار نادر شرط اش حاصل است

جواب دوم

محافظت این جا امر ارشادی نیست محافظت این جا خود یک امر مولوی است و معنی وجوب المحافظة این است که استخاف به وقت نه شود این طور اغلب وقت ها یا بیشتر وقت ها از اول وقت ، نماز عقب بیفتد ، بهر حال آن چیزی که عرفاً به آن محافظه می گوئیم واجب است ، و لذا ادله دال بر حرمت استخفاف بر صلاة

و ما این را عرض کردیم که محافظه به نماز ، و این محافظه مقصود این است که شامل نماز جمعه هم می شود ، از طرفی امر به محافظه نماز جمعه به شود اما ، به گویند این را ۱۴۰۰ سال اقامه نه کنید اشکال ندارد ،

۱۴۰۰ سال ما نماز جمعه نه خوانیم ؟ ! امر به محافظه نماز جمعه هم به شود ، سازگار با هم نیستند ،

جواب سوم: عطف بر امر به محافظه بر صلاة الوسطی بر امر به محافظه بر سایر صلوات ، حَافِظُوا عَلَي

الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸) نمی تواند امر به محافظه صلاة الوسطی ، اخف و اقل از محافظه بر سایر صلوات باشد و بدون تردید ، محافظه بر سایر صلوات این است که کلاً جاء وقتها لزمت اقامتها ، وجبت اقامتها ، آن وقت این با محافظه بر صلوات وسطی که باید یا اشد باشد وجوب محافظه از صلاة الوسطی به لحاظ عطف خاص بر عام ، یا حداقل از آن ها کم تر نباشد ، این هم از استدلال به آیه

آیه سومی که گاه به آن استدلال می شود آیه شریفه سوره منافقین است ، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند!

که گفته شده است ذکر الله این جا صلاة الجمعة است به قرینه ، همین آیه جمعه ، که فاسعوا الى ذکر الله ، و این آیه هم اشاره به وجوب تعیینی صلاة الجمعة است ، چون می فرماید ، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

و اموال و اولاد به لحاظ اشد مایله الانسان است ، به عنوان مثال است ، معنی اش این است که لایلهکم شیء عن ذکر الله ، خوب لایلهکم شیء عن ذکر الله به معنی این که پس بنابراین ، تجب الاقامة الصلاة ، لا يجوز الاشتغال بغير الصلاة الجمعة ، در ظهر روز جمعه ،

این اشکال بر این حرف می تواند وارد شود که این وجوب محافظه ، با وجوب تخیری ناسازگار نیست ، وجوب محافظه خصوص صلاة الجمعة است؟ ، نه وجوب محافظه اعم از صلاة الجمعة است ، یک اشکال ، اشکال اصلی است ، اگر آن اشکال را به پذیریم ، این اشکال ، اشکال متفرع بر آن اشکال می شود، و اگر آن اشکال اصلی را نپذیریم ، این اشکال جوابش داده خواهد شد ، و آن اشکال این است که صلاة الوسطی اگر خصوص صلاة الجمعة اراده می شد ، این حرف را ما می پذیریم ، یعنی همه این استدلالاتی که ما داشتیم ، و جوابی که از اشکال دادیم ، در فرضی است که صلاة الوسطی ، خصوص صلاة الجمعة باشد ، یعنی اگر این جوری فرموده بود ، حافظوا على الصلوات و صلاة الجمعة و قوموا لله قانتین ، استدلالاتی که گفتیم تام بود ، که خوب وجوب محافظت بر صلاة الجمعة ، با عدم وجوب مدتهای مدید سازگار نبود ، یا همین استدلال اخیر که وجوب محافظه شد وجوب مولوی ، و وجوب

مولوی صلاة الجمعة ، که به معنی وجوب محافظه مولوی صلاة الجمعة ، به شرطی که این شرط حالا اگر اقلی الوقوع نباشد اما کثیر لاوقوع است ، عدم الوقوعش کثیر است ، خوب این با محافظه سازگار نیست . اگر عبارت این بود حافظوا علی الصلوات وصلاة الجمعة ،

اما عبارت این نیست ، حافظوا علی الصلّواتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطٰی

و صلاة الوسطی حداکثر این است که جامع بین صلاتین باشد ، بین صلاة الظهر و صلاة الجمعة ، یعنی حافظوا علی الصلوات و صلاة الزوال می شود، که اعم از صلاة ظهر است و صلاة الجمعة ، و این دلیل بر وجوب خصوص صلاة الجمعة به مجرد حلول وقت نیست ، و لذاست که نتیجه این است که ، حق این که این آیه نمی توان از جمله آیاتی که می توان به آنها استدلال کرد برای اثبات وجوب صلاة الجمعة به آن تمسک نمود ، به این دلیل که صلاة الوسطی ، یراد به الجامع بین الصلاتین ، اگر جمعه نماز ظهر خوانده شد و تمام شرائط صلاة الزوالی که باید خوانده شود در صلاة الظهر رعایت شد، خلاف این آیه عمل شده است ؟

لذاست که اشکال اصلی وارد این است که آیه جامع بین صلاتی الظهر و العصر اثبات می کند ، و بعد الغضّ از همه اشکالاتی که وارد شد و تسلیم اندفاع همه آن ها ، تازه اثبات می کند ، وجوب صلاة عند الزوال را ، وجوب جامع الصلاة را عند الزوال ، و وجوب جامع الصلاتی که اعم از صلاة الظهر و الجمعة است ، این اثبات حصه نمی کند ، اثبات حصه دلیل دیگری نیاز دارد ،

گفتیم که آیه سوم ، آیه سوره منافقون یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُلْهِکُمْ أَمْوَالُکُمْ وَلَا أَوْلَادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند!

آیه دلالت دارد بر این که همانطور که عرض شد ، بر حرمت اله مال و ولد از ذکر الله ، و ذکر الله مراد صلاة الجمعة است ، به قرینه آیه سوره جمعة ،

قطعاً مراد از ذکر الله ، ذکر مستحب نیست ، اذکار مستحبه ، چرا ؟ چون آیه دارد که وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ،

خاسرون نشان دهنده این است که این ذکرالله ، ذکر الله واجب است ، نه ذکر مستحب ، چون ، بر ترک ذکر مستحب ، خسران مترتب نمی شود ، مقصود از این خسران ، قلت ثواب که نیست ، منظور عدم الثواب است و حلول عقاب ، و این در حق کسی است که تارک واجب باشد و فاعل معصیت باشد ، بنابراین ذکر در این جا باید ذکر واجب خدا باشد ، که ذکر واجب خدا همان صلاة است ، فریضه است

و در قرآن کریم به قرینه آیه کریمه سوره جمعه ، آن ذکر الله واجب تطبیق شده است بر ذکر الله روز جمعه که همان صلاة الجمعة باشد ، پس مراد از ذکر الله صلاة الجمعة است ، خوب این مقدمه اولی

مقدمه ثانیه : آیه دلالت دارد بر حرمت التهای به مال و ولد از این نماز ، التهای به مال و ولد عرض که به عنوان مصداق بارز ما یلهی بیان شده است قطعاً ، یعنی مناسبات حکم و موضوع ، می رساند که مقصود خصوص التهای به مال و ولد نیست ، حالا اگر کسی التهای به چیز دیگری پیدا کرد به مال و ولد نبود ، بازی کرد به جای نماز جمعه ، رفت نقاشی کرد به جای نماز جمعه ، التهای به چیز دیگر ، به هنری به چیز دیگری ، قطعاً آن را هم شامل می شود ، این جا معلوم است که مال و ولد این جا به عنوان ابرز ما یلهی بیان شده است ، نه این که لاتلهیکم اموالکم و اولادکم اما فلیهکم مثلاً فرض کنید لعب و هو طوری نباشد

مناسبات حکم و موضوع دلالت دارد بر این که ، مقصود از لاتلهیکم اموالکم و اولادکم ، یعنی لا تلهکم شیء عن ذکر الله ، خوب لاتلهکم شیء عن ذکر الله ، دال بر وجوب اشتغال به نماز جمعه است ، اول وقت نماز جمعه ،

مطلقش که شامل قبل از وقت که نمی شود ، از اول وقت شامل می شود که لا تلهکم ، دلالت بر وجوب به اشتغال به صلاة الجمعة عند حلول وقتها

به نظر می رسد آیه ، دارد به مقدماتی که بیان شد ، که مقدماتی که ما بیان کردیم ، بیشترین چیزی بوده که می شود در این مقام گفت ، در کلام فقها آنچه آمده ، همین بوده است ، به نظر می رسد که معذالک آیه ، آن ظهوری که بتوان به آن استدلال به وجوب صلاة الجمعة تعییناً عند زوال جمعه به شود ندارد ،

اولاً : ذکر الله ، سلّمنا که مقصود ، ذکر الله واجب است ، که ذکر الله واجب در صلاة الفريضة ، متعیّن است ، ولی نظیر صلاة الوسطی ، دلالت بر جامع صلاة واجبه دارد ، و دلالت بر خصوص صلاة جمعة ندارد ، بنابراین آیه بر فرض دلالت بر وجوب صلاة ، دلالت بر وجوب صلاة جامع دارد ، نه خصوص صلاة جمعه ، از آیه استفاده می شود هر نماز عند وقتها واجب است و نباید چیزی انسان را از نماز مشغول بدارد ، لا تلهیکم اموالکم ولا اولادکم این یک

دو : این الها چه الهائی است ؟ ظاهرش این است که الها از ذکر الله واجب است ، ذکر الله واجب ، ذکر الله از حدین است نه ذکر الله در خصوص اول وقت ، گفتیم به قرینه مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ می فهمیم مقصود از لاتلهیکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله ، یعنی ذکر الله واجب ، یعنی عن ذکر الله فی وقت محدّده له ، بنابراین نشان دهنده این است که اگر کسی وقت نماز بگذرد و التها به مال و ولد پیدا کند فهو خاسر ، بیش از این نمی رساند ، يدلّ علی وجوب الصلاة فی وقتها ، غایه ما تدلّ علیه وجوب محافظة ای که در همان حافظوا علی الصلوات آمده به آنجا هم نمی رسد تازه ، غایه اگر ما بخواهیم مبالغه کنیم در

دلالت آیه ، می توان از آن آنچه را استفاده کرد ، که از آیه حافظوا استفاده می کنیم ، بیش از این استفاده نمی شود ، در حالی که عرض کردیم ظاهر آیه ، این مقدار را هم افاده نمی کند ، بلکه این آیه وجوب الصلاة بین حدّین را فقط می رساند ، یا عدم جواز التها به غیر صلاة بین حدّین ، طوری نشود وقت بگذرد شما نماز نه خوانید ، مشغول مال و ولد شوید ، لا تُلهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لا أَوْلَادُكُمْ

الَّذی اشتغل بذكره الله ، در وسط وقت ، در آخر وقت ، لم يشغله ، ماله و ولده عن ذكر الله واجب ، فليس من الخاسرين ، فذا آیه لاتدل بر وجوب صلاة الجمعة فی وقتها یا مجرد حلول وقتها ، سواء حضر الامام او من يحضر ،

استدلال به آیات تمام ، این سه آیه بود که ، جای استدلال به آنها بود ، یا استدلال به آنها شده بود کمابیش در کتب فقهیه ، و روشن شد از آنچه بیان کردیم که

آیه اولی حق این است که تدل علی وجوب صلاة الجمعة عند وقتها ، یعنی عند حلول زوال يوم الجمعة ، بلا اشکال ، چون اذا نودی ، مراد اذا اذن است ، و اذا اذن کنایه از دخول وقت است ، و آیه می فرماید به مجرد ، این که وقت داخل شد ، همه بشتابید به سوی نماز جمعه ، خصوص نماز جمعه ، و این دال بر وجوب صلاة الجمعة است ، عند زوال يوم الجمعة مطلقاً ، علی الامام و علی المأموم ، و علی همه مکلفین ، الا من خرج بدلیل ،

اما روایات: روایات فراوانی است که دلالت بر وجوب تعیینی صلاة الجمعة دارد ، مرحوم آقای خوئی یک عبارتی دارند در رابطه با دلالت روایات و خود روایات که من فکر می کنم عبارت ایشان را خوب است به خوانیم ، خود نص عبارت را چون شخصی مثل آقای خوئی که متبحر بوده انصافاً در همه شؤون روایات و فقه روایات و آن تسلطی که ایشان داشته است ، این مطلب را از ایشان ما به خوانیم مغتنم است ، می فرماید:

و هی [یعنی روایات] من الکثرة بمكان و متجاوزة عن حدّ الاستفاضة بلاریب [یعنی متواتر است] و قد انحأها بعضهم الى مأتى الحديث فقال فالذى يدل على الوجوب بصريحه من الصحاح و الحسان و الموثقات و غيرها اربعون حديثاً [آنچه يدل بصريح] والذى يدل بظاهره على الوجوب خمسون حديثاً و الذى يدل على المشروعية فى الجملة اعم من أن يكون عينياً او تخييراً تسعون حديثاً و الذى يدلّ بعمومه على وجوب الجمعة و فضلها عشرون حديثاً [خلاصه در مجموع ما بیش از یا حدود دویست حدیث داریم در رابطه با خصوص صلاة الجمعة خصوص این نماز ، آنچه که به دست ما نرسیده که شاید خیلی بیش از این ها بوده است] و لا یبعد تواترها و لاشبهة فى تواترها الاجمالی للقطع بصدور بعضها من المعصوم صلوات الله علیه ، و عدم مخالفة جميعها للواقع [قطع داریم که همه این ها که نمى تواند مخالف واقع باشد] و بهذا نستغنى عن التکلم على اسنادها [چون ما قطع اجمالی به صدور بعضها از معصوم داریم] بحيث لو تمّ دلالتها على المدعى و لم یکن هناك ما یمنع عن هذا الظهور ، لم یکن أى مناص من الالتزام به وجوب صلاة الجمعة تعیناً

[یکی از این روایات هم ثابت به شود ظهورش و دلالتش برای ما کافی است که اثبات کند وجوب تعینی نماز جمعه دارد] بل الامر کذاک حتى انکرنا تواتراً کفاية ما فیها من الاخبار الصحيحة و الموثقة [حتى اگر تواتر این روایات را ما منکر شویم ، اخبار صحیحه آنقدر هست که نیازی به ادعای تواتر هم نیست ، همین مقدار روایات صحیحه ، اگر دلالت یکی شان ثابت شد ، کافی است] فلا مجال للتشکیک فیها بحسب السند ، این فرمایش آقای خوئی است رضوان الله تعالى علیه به عنوان مقدمه و پیش داور ، در استدلال به سنت ، حالا بعد بحث روایت را می کنیم ، یک به یک ، اولین روایتی که بحث می کنیم روایت زرارہ است ، قبلاً مطرح شد و حالا مفصل درباره روایت زرارہ بحث می کنیم ،

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

http://\zokr.com

Copyright ©\Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است